

نعمت رضوانی

وکیل پایه یک دادگستری

بحثی پیرامون ماده ۶۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ «ربایش‌هایی که مشمول عنوان سرقت نیستند»

مقدمه

بزه سرقت تعزیری در تصویب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» مصوب دوم خرداد ماه ۱۳۷۵ اشکال و انواع مختلفی به خود گرفته و مقررات و احکام متنوعی در این خصوص وضع گردیده است. در وضع و تدوین این مقررات قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ مورد اقتباس قانونگذار قرار گرفته است.

از مشخصات بارز و آشکار این قانون بویژه در زمینه بزه سرقت تعزیری، جرم‌انگاری در حد وسیع آن می‌باشد. در این قانون حدود ۱۷ ماده در فصل بیست و یکم تحت عنوان «سرقت و ربودن مال غیر» به این بزه اختصاص داده شده است و این در حالی است که قبل از سال ۱۳۷۵ تنها یک ماده و آن هم ماده ۱۰۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ حاکم بر مقررات راجع به بزه سرقت تعزیری بوده است. از طرف دیگر، در زمینه بزه سرقت تعزیری می‌توان این قانون را از جهاتی یک «قانون مبدع» به شمار آورد. از ابداعات این قانون در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. پیش‌بینی مجازات حبس در کنار مجازات شلاق.
۲. پیش‌بینی انواع گوناگون سرقت تعزیری و تعیین مجازات جداگانه برای هرکدام از آنها.

۳. جرم قلمداد کردن ربایش آب و برق و گاز و تلفن.
۴. پیش‌بینی مجازات برای «شروع به جرم سرقت تعزیری» برای برخی از مصادیق این جرم.

۵. پیش‌بینی مجازات برای ربایش‌هایی که مشمول عنوان سرقت نیستند.
چنانچه ملاحظه می‌شود جرم قلمداد کردن ربایش‌هایی که مشمول عنوان سرقت نیستند و پیش‌بینی مجازات برای آن از جمله ابداعات قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ می‌باشد که به عنوان یک جرم خاص در ماده ۶۶۵ این قانون مورد حکم قرار گرفته است. بررسی این جرم و بیان ارکان متشکله و تعیین مصادیق دقیق آن با عنایت به عدم وجود هرگونه سابقه تقنینی در این خصوص تا قبل از تصویب قانون مذکور می‌تواند حایز اهمیت باشد که به اختصار به بررسی این جرم پرداخته می‌شود:

بررسی جرم و بیان ارکان متشکله آن

ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی چنین اشعار می‌دارد: «هر کس مال دیگری را بریاید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه‌ای به مجنی‌علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.»

آنچه در این ماده مورد حکم قرار گرفته است این است که امکان دارد ربایش مالی تحقق یابد ولی عنوان سرقت نداشته باشد. دقیقاً مشخص نیست که غرض مقنن از وضع این ماده چه بوده است. اگر گفته شود مراد سرقتی است که مقرون به هیچ یک از شرایط مندرج در مواد ۶۵۱ تا ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی (یعنی سرقت مقرون به پنج شرط مشدده - سرقت مقرون به آزار - راهزنی در شوارع و...) نباشد در این صورت ماده ۶۶۱ قانون مجازات اسلامی تکلیف این نوع سرقت‌ها را مشخص کرده است. این ماده چنین اشعار می‌دارد: «در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد مجازات مرتکب حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود.»
عده‌ای اعتقاد دارند که منظور مقنن بر اخذ مال به عنف بوده است و اینکه در ادامه

ماده آمده است: «اگر در نتیجه این کار صدمه‌ای به مجنی علیه وارد شده باشد...»^{*} نیز قربانه‌ای بر تأیید این نظر می‌باشد که در اخذ مال به عنف امکان ایراد صدمه‌ای به مجنی علیه زیاد است. ولی به این نظر این ایراد وارد است که اخذ مال به عنف بسیار شدیدتر از سرقت ساده می‌باشد. لذا مجازات شدیدتری می‌بایست برای آن در نظر گرفته می‌شد. مضافاً اینکه ماده ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی نیز حکم سرقت‌های مقرون به آزار را مشخص کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات آن به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد.»

عده‌ای دیگر پیش‌بینی مجازات برای ربودن‌هایی که مشمول عنوان سرقت نمی‌باشند را یکی از ابداعات خوب قانونگذار در قانون مصوب ۱۳۷۵ می‌دانند. به نظر این عده با توجه به بند ۱۴ ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی که یکی از شرایط سرقت مستوجب حد را آن می‌داند که: «سارق مالی را به عنوان دزدی برداشته باشد» به نظر می‌رسد که اگر کسی مال غیر را نه به قصد تملک بلکه به منظور استفاده موقت و بازگرداندن آن به مالک پس از رفع حاجت بردارد نتوان گفت که وی مال را به «عنوان دزدی» برداشته است. مردم نیز اگر از قصد و نیت او آگاه باشند وی را سارق نخواهند خواند: «فان الناس اذا علموا بقصده لا یسموه سارقاً». این عده که قصد محروم کردن دایم را سوءنیت خاص لازم برای تحقق جرم سرقت می‌دانند معتقدند که نمونه بارز این جرم ربودن‌های موقت است و مواردی را دربر می‌گیرد که رباینده به قصد استفاده موقت از مال غیر (مثلاً خواندن کتاب در شب امتحان) آن را بدون اجازه مالکش می‌رباید.^{**}

صرف‌نظر از نظرات ارایه شده تعیین مصداق و یا مصادیق جرم موضوع ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی منوط به بررسی ارکان و شرایط تحقق آن می‌باشد. طبق ماده مذکور ارکان متشکله این جرم عبارتند از:

* - الهام، غلامحسین، تقریرات کلاس درسی حقوق جزای اختصاصی، مجتمع آموزش عالی قم، ص ۳۰.
 ** - میرمحمد صادقی، حسین، سرقت در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، ماهنامه دادرسی، شماره سوم، مرداد ماه ۷۶، ص ۱۲.

الف) رکن قانونی: که ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی ناظر به آن می باشد.
ب) تحقق کامل رکن مادی سرقت: در صدر ماده مورد بحث آمده است: «هر کس مال دیگری را بر باید و...» طبق این تعریف برای جرم مندرج در این ماده می بایست: «ربایش مال متعلق به دیگری» صورت گرفته باشد. بنابراین تحقق کامل رکن مادی سرقت در عالم خارج از شرایط اصلی و ضروری تحقق جرم مندرج در این ماده می باشد. با توجه به عبارت صدر ماده مذکور اجزای مختلف رکن مادی این بزه به قرار زیرند:

۱. مال

موضوع سرقت باید مال باشد. بنابراین چیزی که از نظر عرف یا قانون مال نبوده و قابل تملک نباشد نمی تواند موضوع جرم موضوع ماده مورد بحث قرار گیرد. مال موضوع این ماده باید منقول بوده و قابلیت نقل و انتقال از جایی به جای دیگر را داشته باشد. همچنین تنها عین مال می تواند موضوع جرم این ماده قرار گیرد و نه حقوق یا منافع موجود در آن.

۲. تعلق به غیر

تعلق مال به غیر و مالکیت دیگری نسبت به مال مسروقه در حین ارتکاب جرم از دیگر پایه های تشکیل دهنده رکن مادی جرم موضوع ماده مورد بحث می باشد. بنابراین اگر کسی مالی را که از آن خودش است ولی در اختیار و تصرف دیگری است بر باید جرم مذکور تحقق نخواهد یافت. از آنجایی که در حقوق ایران منظور از مال تنها به اعیان اموال اطلاق می شود همین امر موجب می گردد تا منظور از تعلق مال به غیر در اجزای رکن مادی جرم موضوع ماده مورد بحث تعلق عین آن به دیگری باشد. بنابراین در صورتی که عین مال متعلق به رباینده باشد جرم مذکور محقق نخواهد شد حتی اگر شخص دیگری از یک حق یا منفعت مالکانه بر آن مال برخوردار باشد.

۳. ربایش

مهمترین جز از ارکان مادی جرم موضوع ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی را «عنصر ربایش» تشکیل می دهد. فهم این عنصر به عنوان جزیی از رکن مادی در تعیین مصداق یا مصادیق و مهمتر از آن تعیین محدوده و قلمرو این جرم نقش بسیار مهمی را ایفا می کند. عمل ربایش یا به وسیله انسان به طور مستقیم و یا به وسیله ابزار و آلات و حیوانات

تحت تعلیم وی صورت می‌گیرد. برای مثال سارق ممکن است به جای اینکه خود مستقیماً مال دیگری را بریاید سگ دست‌آموز خود را به گونه‌ای تعلیم دهد که با به دندان گرفتن اموال دیگری آنها را ربوده و در اختیار وی گذارد. بدین ترتیب برای تحقق ربایش لازم است فعل مثبت مادی به صورت وضع ید بر مال غیر صورت گیرد. البته صرف وضع ید کافی نیست بلکه باید علاوه بر آن منتهی به ربودن مال هم بشود یعنی تصرف و اثبات و وضع ید بر مال دیگری منجر به خارج کردن مال از حیطه تصرفات مالکانه مالک یا متصرف قانونی گردد.^{*} به عبارت دیگر ربایش مال جز با نقل مکان دادن آن قابل تصور نمی‌باشد و کسی نمی‌تواند مالی را بریاید در حالی که آن مال هیچ نقل و انتقال مکانی نداشته باشد. پس فعل مادی ربودن زمانی محقق می‌شود که شخصی بر مال دیگری وضع ید و تصرف کرده و آن را از حیطه تصرف صاحب مال خارج کند.

در ربودن یک مفهوم زاید بر بردن مستتر است. فرق «ربودن» و «بردن» در عنصر متقلبانه است. زیرا «بردن توأم با تقلب» ربودن نام دارد و البته در این تعبیر تقلب به معنای عدم رضایت یا عدم آگاهی صاحب مال می‌باشد.^{**} پس عدم اطلاع و عدم رضایت صاحب مال یا دارنده آن شرط تحقق «ربودن متقلبانه» است و ملاک تحقق نفس جرم موضوع ماده ۶۶۵ ربودن متقلبانه می‌باشد. رویه قضایی نیز ربودن را به «اثبات ید بر مال غیر بدون رضایت او» تعریف کرده است. بنابراین اگر ثابت شود متهم مال را با رضایت توجه صاحب مال به دست آورده یا صاحب مال آن را با آگاهی و توجه به او داده است فعل ربودن تحقق نیافته است. مگر اینکه در مواردی مانند تسلیم مال توسط مجنون یا صغیر غیرممیز و تسلیم در اثر تهدید و اکراه در تشخیص اراده و توجه آنها تشکیک کنیم. نتیجه اینکه تحقق جرم موضوع ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی مستلزم تحقق کامل رکن مادی بزه سرقت می‌باشد. بنابراین هرگاه به لحاظ وجود مسائلی یکی از اجزای این رکن از بزه سرقت یعنی عناصر «مال» و «تعلق به غیر» و مهمتر از اینها «ربایش» تحقق آن در عالم خارج منتفی باشد از شمول این ماده خارج خواهد بود.

برای اینکه قلمرو دقیق این ماده مشخص شود مثال‌هایی ذکر می‌گردد:

* - حبیب زاده، محمدجعفر، حقوق جزای اختصاصی، ص ۲۱.

** - آزمایش، علی، تفریبات درس حقوق جزای اختصاصی، دانشگاه تهران، ص ۴۰.

مثال اول:

اگر شخصی طلائی را از طلافروشی به قصد امتحان بگیرد و سپس به او ندهد چه حکمی خواهد داشت؟ در پاسخ دو مورد را باید از هم متمایز کرد: مورد اول زمانی است که مشتری از اعتماد فروشنده سواستفاده کرده و با استفاده از بی توجهی فروشنده و بدون اطلاع و رضایت صاحب مال آن را می رباید. مورد دوم زمانی است که پس از تسلیم طلا از طرف فروشنده علیرغم درخواست فروشنده از استرداد آن امتناع می کند. در حالت اول تمامی ارکان جرم سرقت جمع بوده و در نتیجه جرم سرقت تحقق یافته است و در چنین مواردی تحویل موقتی نمی تواند نافی عنوان سرقت باشد. همچنان که رویه قضایی نیز بر این قرار دارد که اگر تحویل از طرف صاحب مال بطور موقت و به قصد استرداد باشد نافی عنوان سرقت نیست.* اما در حالت دوم که به لحاظ عدم تحقق ارکان متشکله جرم سرقت قطعاً سرقت منتفی است آیا می توان مورد را به دلیل آنکه عنوان سرقت بر عمل ارتكابی صادق نیست مشمول ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی دانست؟ به نظر صرف عدم صدق عنوان سرقت بر عمل ارتكابی موجب تحقق جرم مندرج در ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی نمی شود بلکه علاوه بر آن تحقق ارکان اختصاصی آن نیز ضروری می باشد. از جمله این ارکان تحقق کامل «عنصر ربودن» می باشد که برای تحقق آن لازم است که سارق فعل مثبت مادی به صورت وضع ید بر مال غیر را انجام دهد و به این اعتبار ترک فعل نمی تواند رکن مادی جرم سرقت را تشکیل دهد. در خصوص موضوع مطروحه نیز صرف عدم استرداد مال (ترک فعل) نمی تواند موجب تحقق عنصر مادی گردد و به لحاظ عدم تحقق رکن مادی سرقت مورد از شمول ماده مذکور خارج می باشد.

مثال دوم:

در تسلیم ارادی شی ناشی از اشتباه در صورتی که صاحب مال از روی اشتباه مالی را به دیگری تسلیم کند و او نیز با سوءنیت آن را تملک و تصرف کند و شی را از حیظه تصرف مالکانه صاحب آن خارج کند با عنایت به اینکه در چنین موردی سرقت قطعاً

منتفی است آیا می‌توان به دلیل عدم شمول عنوان سرقت بر عمل شخص مورد را مشمول ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی دانست؟ علاوه بر اینکه برای تحقق ربایش لازم است که فعل مثبت مادی به صورت وضع ید بر مال غیر صورت گیرد بلکه آنچه در «ربایش» ابتدابه ذهن متبادر می‌گردد عدم رضایت صاحب مال است در اعطای آن در حالی که چنین چیزی در فرض مذکور وجود ندارد. لذا رکن اصلی جرم موضوع ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی منتفی است و مورد از شمول ماده مذکور خارج خواهد بود.

مثال سوم:

درخصوص «شروع به سرقت» آیا می‌توان به موجب ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی که شمول عنوان سرقت بر عمل مرتکب را منتفی دانسته است شروع به سرقت‌هایی که در قانون مجازات اسلامی تصریحی به جرم بودن آنها نشده است بدین اعتبار که عمل مرتکب مشمول عنوان سرقت نمی‌گردد جرم دانسته و مجازات کرد؟

قبل از هر چیز متذکر می‌گردد که قانونگذار در تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ فقط شروع به جرم سرقت‌های تعزیری مواد ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳ و ۶۵۴ را جرم تلقی و برای آن مجازات حبس تا پنج سال و شلاق تا ۷۴ ضربه در نظر گرفته است در حالی که شروع به جرم سرقت‌های تعزیری مندرج در مواد ۶۵۶: ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹ و ۶۶۵ را جرم ندانسته و قابل مجازات نمی‌داند.

در پاسخ سؤال مذکور باید گفت همانطوری که قبلاً بیان گردید برای تحقق ربودن صرف وضع ید بر مال کافی نیست و یک خصوصیت دیگر هم لازم است تا جرم سرقت کامل شود و آن عبارت است از بردن مال غیر یعنی وضع ید وقتی که منتهی به بردن مال غیر شود و موجب خروج مال از حیطه مالکیت مالک یا متصرف آن گردد، فعل مثبت مادی ربودن تحقق پیدا می‌کند. لذا با توجه به اینکه مقنن تحقق کامل رکن مادی را از شرایط ضروری تحقق جرم مندرج در ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی قلمداد کرده است، و به لحاظ اینکه در «شروع به سرقت» عنصر ربایش به طور کامل در عالم خارج تحقق پیدا نمی‌کند، نمی‌توان شروع به سرقت‌های مندرج در مواد سابق‌الذکر را به موجب این ماده مجازات کرد.

مثال چهارم:

آیا تصرف در اموال گمشده (لقطه) را می‌توان به استناد ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی جرم تلقی نموده و مجازات کرد؟

قبلاً متذکر می‌گردد که در خصوص تصرف در اموال (لقطه) و تلقی سرقت بر آن بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. بعضی معتقدند که شیئی بلاصاحب آن است که ثابت گردد شیئی منقول مورد نظر، مالک معین و مشخص ندارد، بنابراین اگر بتوان بر آن مالکی هر چند به طور خیلی ضعیف فرض کرد، عمل ربایند، سرقت محسوب می‌گردد. همین طور اموالی که در اماکن عمومی یا وسایل نقلیه رانندگان جا می‌ماند، تصرف یا تصاحب آن سرقت می‌باشد* مضافاً اینکه سرقت، ربودن مال منقول متعلق به غیر است و در تحقق سرقت لازم نیست که مال در تصرف مالک باشد، بلکه صرف تعلق آن به دیگری کفایت می‌کند و در تشخیص سرقت باید سارق را مدنظر قرار داد نه مالباخته را و دسترسی یا عدم دسترسی صاحب مال به مال خود نمی‌تواند تأثیری در اصل سرقت داشته باشد، بلکه همین قدر که سارق بداند مال متعلق به دیگری است، برای تحقق جرم سرقت کفایت می‌کند.**

گروهی دیگر معتقدند که تصرف در مال لقطه سرقت تلقی نمی‌شود، چرا که لازمه سرقت، ربودن است؛ یعنی سارق مال را از حیازت صاحب مال خارج کرده و مال را در حیازت خود داخل کند، در حالی که مال گمشده عملاً در حیازت مالک نمی‌باشد تا سرقت محقق گردد. عقیده گروه دوم به نظر با اصول کلی حقوق جزا سازگارتر است.

کما اینکه رویه قضایی ما نیز آن را سرقت ندانسته است. شعبه دوم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۰۵ مورخ ۱۳۲۵/۱/۳۱ خود عنوان کرده است: تصرف در مال لقطه نه تنها منطبق با ماده ۲۲۷ قانون مجازات عمومی ناظر بر سرقت نیست، بلکه اساساً با هیچ یک از مواد کیفری تطبیق نمی‌کند.

حال که تصرف در مال لقطه سرقت تلقی نمی‌گردد، آیا می‌توان بدین اعتبار که مورد از شمول عنوان سرقت خارج است، به استناد ماده ۶۶۵ ق.م.ا مجازات کرد؟ به نظر

* - گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، ص ۳۰۳.

** - پاد، ابراهیم، حقوق جزای اختصاصی، ص ۷.

می‌رسد که نمی‌توان قایل به چنین امری گردید؛ چرا که اولاً تصرف در مال گمشده عرفاً ربودن تلقی نمی‌شود. زیرا ربودن مستلزم اخراج مال از حیازت صاحب مال و در حیازت خود درآوردن می‌باشد، در حالی که مال گمشده قبلاً از حیازت صاحب مال خارج گردیده است. ثانیاً، اصل براءت و تفسیر مضیق قوانین جزایی نیز ایجاب می‌کند که از شمول عمل مذکور به ماده ۶۶۵ خودداری گردد.

به نظر نگارنده، با توجه به اینکه مقنن صریحاً وجود و تحقق دورکن از ارکان بزه سرقت (رکن قانونی و رکن مادی) را به طور کامل در تحقق جرم مندرج در ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی مورد لحاظ قرار داده، عدم شمول عنوان سرقت بر عمل ربایندگی را می‌بایست در تزلزل عنصر معنوی بزه سرقت موضوع این ماده جستجو کرد و مصادیق آن را فقط حمل بر مصداق «ربودن‌های موقت» کرد؛ یعنی مواردی که ربایندگی به قصد استفاده موقت از مال غیر و نه به قصد سرقت و تملک - مثلاً استفاده از وسیله نقلیه و یا خواندن کتاب در شب امتحان - آن را بدون اجازه مالکش می‌رباید. مضافاً اینکه، اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی و اصل تفسیر به نفع متهم نیز چنین ایجاب می‌کند. لذا چنانچه عدم شمول عنوان سرقت بر عمل مرتکب ناشی از تزلزل در اجزای رکن مادی بزه سرقت باشد، یعنی تزلزل در عناصر «مال»، «تعلق به غیر» و «ربایش»، در آن صورت مورد، قابل انطباق با ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی نخواهد بود.

به هر حال، ماده مورد بحث به گونه‌ای تدوین گردیده است که خالی از ابهام و اجمال نبوده و بنابراین در تطبیق قانون با مورد، لزوم تفسیر از جانب قضات دادگاه‌ها را ایجاب خواهد کرد. به طوری که به جرأت می‌توان گفت ما شاهد رویه‌های قضایی مختلف و متفاوتی در این زمینه خواهیم بود. کما اینکه سلیقه قضایی و نحوه نگرش قضات به قوانین و مقررات (به خصوص قوانین مبهم و مجمل) نیز آنها را در مواردی از پیام و مقصود قانونگذار کاملاً دور ساخته و به سمت اتخاذ و اعمال سیاست جنایی بدیعی سوق خواهد داد. بنابراین، ضرورت صدور رأی وحدت رویه جهت تعیین مصداق واقعی ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی احساس می‌شود.